

از نارسایی تعریف اختلاس تا ناکارآمدی شروط تحقق آن

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۰۵

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۰۱

کد مقاله: ۵۸۵۸۹

شیرین سادات حسینی مقدم^۱

چکیده

اختلاس یکی از جرائم مهمی است که در گروه جرائم علیه اموال و مالکیت مورد بحث قرار می‌گیرد؛ و طی سال‌ها دچار تغییراتی شده و در حال حاضر دارای ناکارآمدی‌هایی در قانون است. ابهاماتی که در این زمینه در قانون وجود دارد و این امر موجب شده رویه قضایی‌های متفاوتی درباره‌ی رسیدگی به پرونده‌های اختلاس ایجاد شود. مثلاً موجب شده بعضی این عمل را خیانت در امانت بگیرند و بعضی‌ها این عمل را اختلاس بگیرند. پژوهشگر در این مقاله بر آن است که ضمن بررسی جرم اختلاس در شناسایی خلأهای قانونی و تعریف این جرم راهکار نوین ارائه و مفهوم جدید از جرم اختلاس و شروط تحقق این جرم را آسیب‌شناسی کند و در نهایت ماده قانونی متناسب با اصلاحات مدنظر را پیشنهاد دهد؛ و در آخر این مقاله به این سؤال پاسخ داده می‌شود که آیا کارمندان بانک خصوصی هم می‌توانند مرتکب اختلاس شوند یا نه؟ محقق این مطالب را بررسی کرده و به این نتیجه می‌رسد از آن جهت که آن کارمندان مأمور به خدمت عمومی محسوب می‌شوند لذا مرتکب جرم اختلاس نیز می‌شوند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

واژگان کلیدی: نارسایی‌های تعریفی، جرم اختلاس، شروط تحقق

این جرم بارزترین مصداق فساد و پرکاربردترین جرائم محسوب می‌شود. اختلاس اموال عمومی، همزاد با تشکیل حکومت‌ها مطرح بوده است؛ و قدمتی به اندازه خود دولت‌ها دارد. اختلاس از جمله تعدیات کارمندان دولت و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و با وابسته به دولت و یا سایر مأموران به اختلاس خدمات عمومی است که نسبت به اموال متعلق به دولت یا اشخاص دیگر، صورت می‌گیرد. یا به عبارت دیگر اختلاس، خیانت مأمورین و مستخدمین دولتی نسبت به اموالی که به مناسبت وظیفه به آن‌ها سپرده شده است تحت عنوان اختلاس مورد بحث واقع می‌شود. امروزه برای اداره‌ی جامعه و سامان بخشیدن به روابط اجتماعی و بهره‌مندی مردم از مواهب و نعمات موجود در طبیعت، بخش عظیمی از سرمایه‌ها و اموال موجود در یک کشور در اختیار کارکنان دولت قرار می‌گیرد. مسئله‌ی اختلاس در چرخه‌ی اقتصادی دولت‌ها از جمله کشور ما سیر سعودی بسیار زیادی پیدا کرده است. لذا برای حل این معضل اقتصاددانان از یک طرف و حقوقدانان از طرف دیگر و سایر مسئولین ذی‌ربط سعی کرده‌اند تا هر چه بیشتر در مقابل این پدیده بایستند و از افزایش آن جلوگیری کنند و آن را درمان نمایند. نکته حائز اهمیت این است که علی‌رغم تشدید مجازات مرتکبین جرم اختلاس، ارتکاب این جرم در سطح وسیعی همچنان ادامه دارد؛ و روزبه‌روز آمار مرتکبین به این جرم بیشتر می‌گردد. در این تحقیق سعی نموده است به نارسایی تعریف جرم اختلاس و شروط تحقق آن و اختلاس در نظام بانکی پرداخته شود.

۲- مفهوم شناسی و اصطلاحات

۲-۱- اختلاس

اختلاس، واژه‌ای عربی است از باب افتعال و ریشه‌ی آن (خلس) است. از نظر لغوی، اختلاس به معنای ربودن، دزدیدن، پولی را پنهانی و بدون حق از صندوق بنگاه یا اداره‌ای برداشتن می‌باشد؛ و در اصطلاح ادب، بیان کردن معنی مدح است در غزل یا معنی غزل در مدح و در اصطلاح تجوید، یکی از اقسام وقف است. (حسن، عمید، ۱۳۹۰، چاپ دوم، ص ۹۷) اختلاس در لغت نامه دهخدا به معنای زود ربودن و سلب کردن آمده است؛ و در اصطلاح تجوید، یکی از اقسام وقف است. (علی اکبر، دهخدا، لغتنامه دهخدا، ۱۳۷۲، جلد اول، ص ۱۲۷۲)

مفهوم فقهی اختلاس به معنای لغوی آن نزدیک تر است. در اصطلاح فقهی، اختلاس به معنی مالی را از محل غیر حرز و به طور مخفی ربودن است (علی اکبر، دهخدا، ۱۳۷۲، جلد اول، ص ۱۲۷۳). مرحوم آیت الله خویی در تعریف اختلاس بیان می‌کند: مختلس کسی است که مال را به صورت پنهانی و با استفاده از غفلت صاحب مال می‌رباید. مختلس مستوجب حد نیست بلکه باید تعزیر شود. (خویی، ۱۳۶۹، جلد دوم، ص ۲۳۴) شیخ طوسی، مختلس را کسی می‌داند که چیزی را به صورت علنی در جاده‌ها و راه‌ها می‌رباید و بر او حد قطع نباید جاری کرد بلکه باید مجازاتی بازدارنده به کیفیتی که امام یا شخص منصوب از طرف او صلاح می‌داند درباره اش اجرا شود. (طوسی، بی تا، جلد ۲، ص ۷۴۳) در هر حال در فقه شیعی، اختلاس را ربودن (قاب زنی) آشکار می‌نامند که به جای اجرای حد، مرتکب تعزیر می‌شود، چون چنین شخصی مسئول حمایت و حفاظت از اموال دولتی است و مختلس محسوب می‌گردد.

اما قانون گذار اختلاس را در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام این گونه تعریف کرده است که هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمان‌ها یا شوراها و یا شهرداری‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و یا وابسته به دولت و یا نهاد‌های انقلابی و دیوان محاسبات و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند و یا دارندگان پایه قضایی و به طور کلی قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأمورین به خدمات عمومی اعم از رسمی و یا غیر رسمی، وجوه و یا مطالبات و یا حواله‌ها یا سهام و اسناد و اوراق بهادار و یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمان‌ها و مؤسسات فوق‌الذکر و یا اشخاص را که بر حسب وظیفه به آن‌ها سپرده شده است به نفع خود و یا دیگری برداشت و تصاحب نماید مختلس محسوب می‌شوند.

۲- کارمندان دولت: افرادی هستند که طبق قانون استخدام کشوری با داشتن شرایط خاص به استخدام دولت در می‌آیند و از بودجه عمومی کشور استفاده می‌کنند و دارای سمت و عناوین رسمی سازمانی هستند. در حالی که مؤسسات عمومی که مأموریت انجام کارهای عام‌المنفعه عمومی را به عهده دارند مانند شهرداری‌ها و سایر نهادها از نظر استخدامی و بودجه و تشکیلات به نحو خاصی اداره می‌شوند، اما اقدام آن‌ها در انجام وظیفه محوله نسبت به اموال سپرده شده به علت اعتماد عمومی به آن‌ها در صورت خیانت، به عنوان اختلاس شناخته می‌شود. (احمد امین، بک، جلد ۱، ص ۸۰) در لغت، کارمند دولت کسی است که در اداره کار می‌کند و به عنوان عضوی از اداره تعریف شده است.

۳- مستخدم رسمی: کسی است که به موجب حکم رسمی در یکی از پست‌های سازمانی وزارتخانه‌ها یا مؤسسات دولتی مشمول قانون استخدام کشوری شده باشد.

۴- بانک: نهادی اقتصادی است که وظیفه‌هایی چون تجهیز و توزیع اعتبارات، عملیات اعتباری، عملیات مالی، خرید و فروش ارزها، نقل و انتقال وجوه، پرداخت بدهی مشتریان، وصول مطالبات اسنادی و سود سهام مشتریان، قبول امانات، نگهداری سهام و اوراق بهادار و اشیای قیمتی مشتریان، انجام وظیفه قیومیت برای مشتریان، انجام وکالت خرید و فروش را به عهده دارد.

۲-۲- تعاریف حقوقدانان

بعضی از حقوقدانان در زمینه اختلاس تعاریفی را بیان کرده‌اند که اختلاس بر عملی اطلاق می‌شود که قصد مرتکب در تغییر دادن نحوه تصرف در مال سپرده شده به او باشد، یعنی قصد تصرف ناقص به تصرف کامل که از آن به (نیت تملک) تعبیر می‌شود؛ اما اگر اندکی به این تعریف دقت کنیم متوجه می‌شویم که این تعریف نقض بزرگی در خود دارد و آنکه این تعریف فاقد قید وصف و خصوصیت مرتکب می‌باشد در حالی که یکی از عناصر اختصاصی و کلیدی که این جرم را از سایر جرائم مشابه و هم صنف آن جدا می‌سازد وصف مرتکب جرم می‌باشد.

گروهی از حقوقدانان بر این نظر هستند که اختلاس یعنی اقدام موظف خدمات عامه یا شخصی که در حکم آن باشد به تصاحب و از آن خود ساختن اموال منقول و یا اوراق و یا اشیای دیگری که به سبب وظیفه در اختیار و تصرف او قرار داده شده بدون آنکه حقی نسبت به آن‌ها داشته باشد می‌باشد. بعضی دیگر از حقوقدانان بیان می‌کنند که اختلاس عبارت است از پنهان نمودن اموال دولت یا اموال افراد است که من حیث وظیفه به موظف خدمات عامه سپرده شده باشد، نکاتی که در این تعریف مهم می‌باشد و ضرورت به تحلیل دارد عبارت است از اختلاس یا پنهان نمودن و اموال می‌باشد.

۲-۳- اختلاس یا پنهان نمودن

واژه اختلاس بر حسب اصطلاح قانونی به این معنا است که شخص مال دیگری را که در حیات او می‌باشد به ملکیت شخصی خود اضافه می‌نماید یعنی مختلس مالی که به سبب وظیفه به او سپرده شده است تصاحب و در آن تصرف مالکانه بنماید. در حقیقت جوهره اختلاس به تغییر نیت موظف خدمات عامه بر می‌گردد که حیات ناقص به اعتبار موظف خدمات عامه بودن به وی داده شده است به حیات کامل تغییر داده است که در همین مفهوم خود پنهان نمودن را نیز شامل می‌شود؛ یعنی هدف ما از اختلاس برداشتن شی نمی‌باشد چون که برداشتن شی به اخذ شی از حیات شخص دیگری، معنا می‌دهد؛ در حالی که هدف و قصد ما در بحث اختلاس این است که شی مورد اختلاس، در حیات موظف خدمات عامه می‌باشد با اندکی دقت درمی‌یابیم که هدف از آوردن کلمه پنهان در این تعریف بیان کردن خصوصیت تعلق بودن جرم است.

اموال: در این تعریف اموال را به طور عام ذکر کرده است که دربرگیرنده (اموال منقول و غیر منقول) می‌باشد. آیا می‌توان مال غیر منقول هم موضوع جرم اختلاس واقع شود یا خیر؟ از نظر حقوقی، به چیزی مال گفته می‌شود سه شرط اساسی باشد:

- ۱- مفید باشد و نیازی را برآورده کند خواه آن نیاز مادی باشد یا معنوی.
 - ۲- قابل اختصاص یافتن به شخص یا اشخاص معین باشد. (عبدالرزاق، اسنهوری، ۱۹۶۷، جلد ۸، ص ۹)
 - ۳- به طور مسلم این شی دارای ارزش اقتصادی و قابل داد و ستد باشد.
- به طور خلاصه می‌توان گفت که مال عبارت است از عین یا حقی است که نزد مردم قیمت مادی داشته باشد. (محمد جعفر، حبیب زاده، ۱۳۸۵، ص ۱۰۶)

اگر اختلاس را در زمره جرائم علیه اموال بیان کنیم (حق مالکیت) محسوب می‌شود که حسب مورد ممکن است به دولت یا اشخاص تعلق داشته باشد و مختلس با ارتکاب جرم، به این حق، تعدی و تجاوز می‌کند و حرمت مالکیت غیر را که به موجب قانون محترم شناخته شده زیر پا می‌گذارد. با توجه به قید پنهان نمودن که در این تعریف آمده برای ما مشخص می‌شود که فقط مال منقول موضوع جرم اختلاس قرار می‌گیرد چون تصور اختلاس و پنهان کردن در مورد مال غیر منقول وجود ندارد.

بعضی از حقوقدانان در تعریف اختلاس بیان می‌کنند که اختلاس اموال عمومی در همه حالاتش یک جرم عمدی است، علاوه بر آن باید قصد خاص نیز باشد؛ بنابراین اگر کارمند دولت در محافظت از مالی که به سبب وظیفه به او سپرده شده است، کوتاهی کند و در نتیجه مال از بین برود جرم اختلاس به چنین کارمندی صدق نمی‌کند. (محمود، نجیب حسنی، ۱۹۸۸، ص ۱۰۳)

۲-۴- وضوع جرم اختلاس

در این رابطه دو نظریه متفاوت بین حقوقدانان ایران وجود دارد. الف) عده ای بر این عقیده‌اند که اختلاس چنانکه در مورد مال منقول واقع می‌شود، در مورد مال غیر منقول نیز واقع می‌شود. در حالی که در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء،

اختلاس و کلاهبرداری علاوه بر وجوه و مطالبات اشاره به (سایر اموال متعلق به دولت) کرده است بنابراین می توان نتیجه گرفت که جرم اختلاس هم شامل اموال منقول و هم غیر منقول می شود و اگر یکی از کارکنان وجوه عمومی یا اموال منقول و غیر منقول را به نفع خود یا دیگری برداشت و تصاحب نماید مشمول جرم اختلاس قرار خواهد گرفت. (هوشنگ، شامبیاتی، ۱۳۷۵، ص ۱۳۶)

ب) در مقابل نظریه فوق، برخی از حقوقدانان دیگر بر این باورند که هر چند واژه سایر اموال به طور مطلق ذکر شده ولی به نظر این ها موضوع جرم اختلاس فقط اموال منقول است. وجوه، مطالبات، حواله، سهام و اوراق بهادار هر کدام مصداقی از مال منقول است و به نظر می رسد باید در این مورد به قدر متیقن اکتفاء کرد و از توسعه دامنه مقرر جزایی جلوگیری کرد و موضوع جرم اختلاس را فقط شامل اموال منقول دانست.

و بالاخره به نظر این عده، بزه اختلاس هم مانند سرقت در مورد مال غیر منقول مصداق ندارد؛ زیرا غیر منقول را نمیتوان ربود و با توجه به معنای لغوی اختلاس (ربودن) و مفهوم اصطلاحی آن در فقه (ربودن مال از غیر حرز) و این که در قانون ما اختلاس نوعی خاص از خیانت در امانت است و مال موضوع بزه خیانت در امانت منقول می باشد و همچنین اموال غیر منقول را نمیتوان برداشت کرد، می گویند جرم اختلاس تنها شامل اموال منقول می شود. (عباس، خویباری، ص ۵۸ و یزدانی نجف آبادی، فائزه، ۱۳۵۳، ص ۵۵) اداره حقوقی وزارت دادگستری در نظریه شماره ۱۳۷۳/۷/۴۲۱۸، ۲۴/۷ اشعار می دارد: که اختلاس شامل اموال غیر منقول نمی شود و منصرف به اموال منقول است. (بهمن، کشاورز، ۱۳۷۵، ص ۱۵۱)

۳- سابقه قوانین جرم اختلاس

۳-۱- اختلاس

برای اولین بار جرم اختلاس در ماده ۱۵۲ (۱) قانون مجازات عمومی مصوب ۲۳ دی ماه ۱۳۰۴ پیش بینی شده است. در ۱۶ آذر ماه سال ۱۳۰۶، قانون مجازات مختلسین اموال دولتی به تصویب رسیده که ماده ۲ آن مربوط به اختلاس بود سپس در سال ۱۳۰۸، ماده واحده متمم قانون جزای عمومی دولت به تصویب رسید و وظیفه مذکور در ماده ۱۵۲ قانون مجازات عمومی مصوب ۲۳ دی ماه ۱۳۰۴ را تعریف کرد. در سال ۱۳۰۷، قانون محاکمات نظامی به تصویب رسید که ماده ۲۷۱ آن ناظر بر جرم اختلاس بود. این قانون در سال ۱۳۱۸ با تصویب قانون دادرسی و کیفر ارتش نسخ گردید که در ماده ۴۰۰ قانون اخیر، جرم اختلاس مورد اشاره واقع شده بود؛ و در سال ۱۳۵۲، قانون مجازات عمومی اصلاح شد و برای اولین بار جرم اختلاس را از تصرف غیر قانونی تفکیک گردید.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری در سال ۱۳۶۷ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید؛ و اختلاس در ماده ۱۷ کنوانسیون مریدا و در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۴/۶/۲۸ مجلس شورای اسلامی و تایید ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام و در ماده ۱۱۹ مجازات جرائم نیروهای مسلح و در مواد ۱۲۱ تا ۱۲۴ تعزیرات بیان شده است.

۳-۲- مستخدم دولت

مستخدم دولت در حقوق اداری به گونه های مختلف تعریف شده است و از زوایای مختلف به وضعیت حقوقی او نگریسته می شود و گاه الفاظ به کار برده شده در نصح قانون عده خاصی از مستخدمین را شامل می شود و در مواردی به صورت کاملاً گسترده به آن نگریسته شده است، به گونه ای که شامل بسیاری از کسانی می گردد که از دیدگاه حقوق اداری نمی توان آن ها را مستخدم به حساب آورد. (عبدالحمید ابوالحمید، جلد ۴، ۱۳۷۰، ص ۳۸، ۳۵ و ۱۱ و منوچهر مؤتمنی، جلد ۲، ۱۳۷۴، ص ۱۶۵، ۱۵۳ و رضا موسی زاده، ۱۳۷۷، ص ۱۷۶، ۱۷۳) در قوانین و مقررات جزایی، قانون گذار با الفاظ و تعبیرات مختلف از مستخدم دولت یاد کرده است و همواره یک مفهوم و معنای خاص را مدنظر نداشته است از جمله ماده ۷ قانون مدیریت کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ که این ماده کارمند دستگاه اجرایی را فردی می داند که براساس ضوابط و مقررات مربوطه، به موجب حکم و یا قرار داد مقام صلاحیت دار در یک دستگاه اجرایی به خدمت پذیرفته می شود؛ و در ماده ۵۹۸ قانون تعزیرات نیز کارمند دولت را تعریف کرده است و در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری هم مستخدم دولت را تعریف کرده است.

اما این ایراد دارد که در قوانین مختلف کارمند دولت را به یک شکل تعریف کرده است و ما باید یک تعریف جامع و کاملی را از مستخدم دولت داشته باشیم، و از تبعات این که در قوانین مختلف کارمند دولت را تعریف کرده موجب شده بعضی مقامات را از قلم بیندازد.^۱

۱- وظیفه مذکور در ماده ۱۵۲ قانون کیفر همگانی نه تنها وظیفه ای است که به موجب قانون با نظام نامه اداری تعیین می شود بلکه هر کاری یا وظیفه ای که مستخدم رستمی یا غیر رسمی عملاً به امر مافوق انجام می دهد وظیفه او باید شناخته شود.

۳-۳- آسیب‌شناسی ماده ۵ قانون تشدید

مرتکب جرم اختلاس باید از کارکنان و یا کارمندان مذکور در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری باشد؛ بنابراین کارمندان شرکت‌های خصوصی یا کارمندان بخش خصوصی که در اموال، مرتکب خیانت می‌شوند یا اشخاص عادی که به دلایلی اموال دولتی در اختیارشان قرار می‌گیرد و آن‌ها را تصاحب می‌کنند از شمول این ماده خارج می‌باشند؛ و این ایراد است و این ماده باید به این شکل اصلاح شود که هرگاه هر یک از کارکنان دولت اعم از رسمی، پیمانی، آزمایشی و قرار دادی که برحسب وظیفه اموال منقول مربوط به دولت یا اموالی که از طرف اشخاص نزد دولت به امانت سپرده شده است را در اختیار داشته و آن‌ها را عالمأ و عامداً به نفع خود یا شخص ثالثی برداشت یا تصاحب نمایند مختلس محسوب می‌شوند. (الهی منش و مرادی او جقاز، ۱۳۹۳)

ایراد بعدی این است که یک سری از مقامات را از قلم انداخته است و ما می‌توانیم آن را به یک سری از مقام‌های دولتی دیگر هم تسری بدهیم.

یک اشکل دیگر نیز این است که مجازات‌های مذکور در این ماده برای اختلاس با توجه به ارزش مالی است که اختلاس شده است و این احتیاج به متناسب سازی و به روزآمد کردن دارد.

به نظر می‌آید آوردن واژه (برداشت) در تعریف جرم اختلاس موردی ندارد، زیرا یکی از شرایط تحقق جرم اختلاس، سپردن مال در اختیار مستخدم دولت می‌باشد و وقتی چنین شد دیگر برداشت معنایی ندارد بلکه معیار، همان تصاحب و تغییر جهت دادن مال می‌باشد زیرا وقتی مال در اختیار کسی می‌باشد دیگر برداشت مجدد معنا ندارد و همین که مالی که به طور امانی و به عنوان کارمند دولت بودن در اختیارش قرار دارد را به ملک شخصی خود یا دیگری وارد کند اختلاس صورت گرفته است. در حقیقت چون جرم اختلاس برگرفته شده از حقوق فرانسه می‌باشد، در حقوق فرانسه واژه اختلاس به کار رفته است مقنن ایرانی نیز همین واژه را در عنصر قانونی جرم اختلاس آورده اند.

۳-۴- مقایسه برداشت و تصاحب

در قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، واژه برداشت و تصاحب را با حرف (واو) در کنار یکدیگر قرار داده است در حالی که در ماده ۷۵ قانون تعزیرات این دو واژه با حرف (یا) در کنار هم قرار گرفته اند. واژه ی برداشت مصدر مرخم و مخفف برداشتن است. برخی از لغویین آن را به آنچه دکاندار یا یکی از دو شریک از نقود حاضر بهر خود بگیرد، معنا می‌کنند، برداشت کردن را به دخل یا صندوق مشترک و یا انحصاری مبلغی به نام خود تصرف کردن، معنا می‌کنند. (علی‌اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا زیر نظر دکتر محمدمعین و دکتر سید جعفر شهیدی، ۱۳۷۲، جلد ۳، ص ۳۹۳۷)

اما تصاحب یعنی مالکیت و صاحب شدگی، صاحب و مالک شمردن و شدن است. تصاحب کردن مصدر مرکب به معنای مالک شدن، در تصرف خود در آوردن می‌باشد. (علی‌اکبر دهخدا، لغت نامه ی دهخدا زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سید جعفر شهیدی، ۱۳۷۳، جلد ۴، ص ۵۹۲۳)

۳-۵- شروط تحقق جرم اختلاس

جرم اختلاس بر پنج محور استوار است: ۱، ویژگی مرتکب ۲، عمل اختلاس ۳، نوع اشیاء اختلاس شده ۴، تسلیم این اشیاء به جانی به سبب وظیفه ۵، قصد (احمد امین، بک، جلد ۱، ۱۳۷۰، ص ۸۰)

در کنار سایر شروط از جمله شروط ضرری برای تحقق جرم اختلاس این است که مرتکب از کارمندان و کارکنان دولت یا مؤسسات مذکور در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری باشد این ماده با عبارت (هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمان ها.....) شروع می‌شود. لذا اصل این است که اختلاس، ناظر بر جرائم کارکنان دولت بوده و مرتکب نیز بایستی درحین برداشت یا تصاحب (کارمند دولت) باشد. همچنین به طور استثنا، دخل و تصرف در اموالی که بر حسب وظیفه به کارمندان دولت سپرده شده نیز در حکم اختلاس است و بزهی که در بخش دولتی مثل شرکت دولتی، اختلاس نام دارد در بخش خصوصی مثل شرکت‌های خصوصی ممکن است از مصادیق سرقت، کلاهبرداری و یا خیانت در امانت باشد. (الهی منش و مرادی او جقاز، ۱۳۹۳، ص ۱۸۲، ۱۸۳) کارمند بخش خصوصی از آن جهت که آن‌ها مأمور به خدمت عمومی محسوب می‌شوند لذا مرتکب جرم اختلاس نیز می‌شوند. (بهنام، رمسیس، ص ۶۹، ۷۰)

قانون گذار ما در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، کارمند دولت بودن را یکی از عناصر تحقق جرم اختلاس می‌داند.

اداره حقوقی قوه قضاییه نیز طی دو نظریه مشورتی براین باور می‌باشد که:

اولا اصل بر این است که تصرف و تصاحب در اموال متعلق به دولت از مصادیق جرم اختلاس است و استثنائاً دخل و تصرف در اموالی که بر حسب وظیفه به کارمندان دولت سپرده شده در حکم اختلاس است. (غلامرضا، شهری و ستوده جهرمی، سروش، نظریه اداره حقوقی قوه قضاییه از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۷۱ ناشر روزنامه رسمی کشور، ص ۴۶۴)

ثانیا "بزهی که در بخش دولتی اختلاس نام دارد در بخش خصوصی ممکن است از مصادیق خیانت در امانت یا کلاهبرداری یا سرقت باشد. (غلامرضا، شهری و ستوده جهرمی، سروش، نظریه اداره حقوقی قوه قضاییه از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۷۱ ناشر روزنامه رسمی کشور ص ۴۶۵)

مال مورد اختلاس باید متعلق به دولت یا مردم ولیکن در اختیار دولت باشد.

شرط دیگر تحقق بزه اختلاس، سپرده شدن موضوع جرم به مرتکب است. از دیگر شرایط تحقق جرم اختلاس این است که مال موضوع جرم باید قبلاً به مرتکب تسلیم یا سپرده شده باشد بنابراین، موضوع جرم باید بر حسب وظیفه و به اعتبار شغل و سمت اداری به مرتکب (کارمند) سپرده شده باشد. مقنن در این خصوص در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری، مقرر می دارد: (... که بر حسب وظیفه به آن‌ها سپرده شده است) همچنین مراد از سپرده شدن، تسلیم مال به مرتکب است. (ایرج، گلدوزیان، ۱۳۸۸، ص ۲۷۴)

مرتکب اختلاس باید مال را به نفع خود یا دیگری برداشت و تصاحب و اتلاف عمدی کند و اختلاس از جمله جرائم عمدی است و برای تحقق عمد، لازم است که تصاحب و یا از بین بردن مال متعلق به دولت که در ید امانی مرتکب بوده است معلول قصد آگاهانه کارمند باشد.

اما اگر بر اثر بی احتیاطی یا اشتباه در محاسبه از ناحیه صندوق داران مبلغی از وجوهی که بر حسب وظیفه به آن‌ها سپرده شده است کسری حاصل گردد این اندازه اقدام مرتکب به علت فقدان قصد مجرمانه اختلاس محسوب نمی‌شود. (ولیدی، محمدصالح، ۱۳۷۳، ص ۳۱۵)

اتلاف عمدی: حقوقدانان تلف کردن را به از بین بردن معنا کرده اند؛ و نحوه ی تلف کردن در ماهیت امر موثر نیست، بلکه نفس تلف کردن موضوعیت دارد بنابراین، تخریب و آتش زدن می تواند از مصادیق تلف کردن باشد. (حسین، میر محمد صادقی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۸، ۱۴۷، ۱۳۸، ۱۳۷) بنابراین، اتلاف مال عبارت است از ارتکاب رفتاری که مال را از حیز انتفاع خارج کند یا نقضی فاحش به آن وارد سازد که ارزش اولیه خود را از دست دهد. (محمود، نجیب حسنی، ۱۹۸۴، ص ۴۹۰، ۴۹۱)

شرط دیگر این است که همه ی این اعمال باید بر حسب وظیفه باشد یعنی وقتی جرم اختلاس تحقق می یابد که مال دولت یا اشخاص دیگر به حسب وظیفه در اختیار وی باشد بنابراین اگر کارمند دولت باشد اما قبل از حیزت بر مال و یا بعد از حیزت بر مال، اموال را تصاحب کند مختلس شمرده نمی‌شود. (نجیب حسنی، محمود، ۱۹۸۸ ص ۹۷)

برای تحقق جرم اختلاس لازم است وقوع جرم و سوء نیت و یا اتلاف عمدی احراز شده باشد. در جرم اختلاس همانند سایر جرائم لازم است که مرتکب دارای سوءنیت عام و خاص باشد.

سوءنیت عام: در جرم اختلاس همان قصد برداشت و تصاحب و اتلاف عمدی اشیاء به نفع خود یا دیگری است و سوءنیت خاص تحصیل منفعت برای مرتکب و اضرار به دولت می باشد. در واقع باید بین عمل مرتکب و حصول نتیجه که همان تحصیل مال یا نفعی است رابطه علیت موجود باشد. (شامبیاتی، هوشنگ، ۱۳۷۵، ص ۱۳۸)

اداره حقوقی قوه قضاییه با تأکید بر لزوم احراز سوء نیت می گوید: مأمورین و مستخدمین دولتی که اموال، وجوه و یا سایر اشیاء دولتی که بر حسب وظیفه به ایشان سپرده شده است هر گاه این اموال مذکور را به نفع خود یا دیگری برداشت یا تصاحب نمایند مشمول مقررات تشدید مجازات ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری خواهند بود؛ و در صورت عدم احراز سوء نیت وقوع جرم با توجه به مسئولیت ناشی از امانت و مقررات قانون مسئولیت مدنی با آن‌ها رفتار می‌شود. (کشاورز، بهمن، ۱۳۷۵، چاپ اول، ص ۱۵۳) دیگر شرط تحقق این جرم این است که لازم است قصد مجرمانه یا سوء نیت خاص وجود داشته باشد و این قصد در همه حالات، آگاهی مرتکب به وجود ارکان جرم از جمله علم وی به این که مال، مال دیگری است را طلب می کند. (محمود، نجیب حسنی، ۱۹۸۸، ص ۱۱۹)

۴- اختلاس در نظام بانکی

از جمله بانک های دولتی شامل بانک های تجاری دولتی مثل بانک ملی ایران، بانک سپه و پست بانک ایران است و بانک های تجاری نیمه دولتی شامل بانک تجارت و بانک ملت و بانک صادرات ایران است و بانک های تخصصی دولتی شامل بانک توسعه صادرات ایران و بانک صنعت و معدن و بانک کشاورزی و بانک مسکن و بانک توسعه تعاون می باشد و بانک های تخصصی نیمه دولتی شامل بانک رفاه کارگران است.

و بانک های خصوصی شامل بانک اقتصاد نوین و بانک پارسیان و بانک کار آفرین و سامان و پاسارگاد و سرمایه و سینا و بانک شهر و بانک گردشگری و بانک ایران زمین و بانک قوامین و بانک آینده و بانک دی و بانک انصار و بانک حکمت ایرانیان می باشد؛ و بانک قرض الحسنه شامل بانک قرض الحسنه مهر ایران و بانک قرض الحسنه رسالت می باشد.

اما در سال های اخیر خیلی از بانک ها خصوصی شدند از جمله بانک صادرات و بانک تجارت که بانک صادرات از سال ۸۸ خصوصی شد؛ اما بانک ملی دولتی محسوب می شود؛ و یکی از خبرهای اصلی رسانه ها و جرائم اعلام اختلاس های مختلف از نهادها و سازمان های مختلف دولتی تا بانک ها و موسسات مالی بوده است گذری سطحی به انواع اختلاس های رخ داده طی چند سال اخیر، نشان می دهد نظام بانکی ایران به دلایل مختلف، به طور متوسط هر ماه شاهد اختلاس هایی بوده که در مواردی رقم آن ها به بیش از هزار میلیارد تومان هم رسیده است.

اختلاس مشهور سه هزار میلیاردی مه آفرید خسروی، اختلاس چند هزار میلیاردی بابک زنجانی، اختلاس در بانک صادرات، بانک ایران و ونزولنا، اختلاس در صندوق ها و موسسات مختلف و اخیرا هم اختلاس در بانک ملت و صندوق بازنشستگی فرهنگیان، اینها برخی از موارد متعددی است که در این سال ها مورد تایید قوه قضائیه قرار گرفته و اعلام شده است. در تمام این موارد، نقص سیستم بانکی کشور عامل اصلی یا بخشی از فرآیند اختلاس بوده است.

سوالی که به ذهن می رسد این است که دلیل این تعداد اختلاس با این ارقام نجومی چیست؟ آیا مشکل از قوانین و ساختار بانکی ایران است یا مدیران و کارمندان این سیستم مشکل آفرین هستند و راهکار جلوگیری و برخورد با این اختلاس ها چیست؟

با بررسی نظریه کارشناسان چند علت اصلی را می توان معلول اختلاس در سیستم بانکی اعلام کرد:

- ۱، ضعف دستگاه نظارتی و بازرسی. ۲، مدیریت های طولانی. ۳، عدم برخورد فوری و کافی مسئولان بانک ها با این پدیده.
- ۴، وجود روابط ناسالم اداری در میان مسئولان و کارکنان با مشتریان. ۵، شگردهای مخصوص برخی مشتریان بانک برای آلوده کردن کارمندان. ۶، ضعف اطلاع رسانی. ۷، سوء مدیریت ها و تعدد ارکان تصمیم گیری. ۸، عدم احراز شرایط مناسب برای انتصاب و انتخاب مدیران.

۵- راهکارهای جلوگیری از اختلاس

- ۱، نهادینه شدن نظارت بر سیستم بانکی ۲، دفاع از حقوق افراد جامعه ۳، شفافیت سیستم بانکی و نظارت کافی بر آن ۴، تقویت مدیریت خرد و کلان ۵، وجود ابزار دقیق نظارتی و انتخاب افراد شایسته و سالم در نظام بانکی کشور است. (مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، چارچوب های حقوقی مقابله با فساد مالی)

۵-۱- اختلاس توسط کارمندان بانک خصوصی

امروزه با توجه به سیاست های خصوصی سازی اصل ۴۴ خیلی از سازمان ها به سمت خصوصی سازی رفتن پس مهم که در مورد اختلاس تعیین و تکلیف کنیم چرا باید وحدت در رویه وجود نداشته باشد یک سری از کارمندان بانک خصوصی که مرتکب اختلاس می شوند را خیانت در امانت می گیرند و یک سری ها را اختلاس می گیرند. در یک پرونده ای یکی از شعب بانک خصوصی شکایتی تحت عنوان اختلاس علیه کارمند خود مطرح نموده است به این شرح که متهم به عنوان کاربر بانک، چک های مشتریانی که در سامانه متمرکز (جام) سامانه چکاوک بانک مرکزی که به بانک سپرده شده بوده را تصاحب کرده و وجوه آن را به حساب شخصی خود یا اعضای خانواده اش واریز نموده است. دادگاه کیفری ۲ به استناد ماده ۵ قانون تشدید متهم به اتهام اختلاس محکوم می نماید، اما دادگاه تجدید نظر با این استدلال که این بانک خصوصی است از اعداد بانک های دولتی خارج شده به جهت عدم تحقق ارکان بزه اختلاس، رأی بدوی را نقض و حکم به برائت محکوم علیه صادر نموده است. مهم ترین موضوع ماهوی موجود در رأی مورد بحث، صدور حکم برائت متهم از اتهام اختلاس است.

اختلاس یکی از تعديات مأمورین دولتی نسبت به اموال و وجوه متعلق به دولت و بیت المال است. این جرم مختص کارمندان است که اموال دولتی را به قصد تحصیل منفعت برداشت می کنند. (محمد صالح، ولیدی، جلد ۵، ۱۳۷۳، ص ۳۱)

یکی از محوری ترین تفاوت های جرم اختلاس با جرائم دیگر به ویژه خیانت در امانت، شخصیت مرتکب می باشد، جرم اختلاس عبارت است از خیانت در امانت کارکنان دولت در اموال دولت یا اموال شخصی که نزد دولت سپرده شده باشد. (صادق، منتی نژاد، ۱۳۸۶، ص ۲۷۷) برخی از اساتید حقوق این جرم را از فروع جرم خیانت در امانت دانسته اند. (حسین، میر محمد صادقی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۴) و برخی جرم اختلاس را مصداق مشدد جرم خیانت در امانت دانسته اند. (عوض، نور زاد، ۱۳۸۳، ص ۱۰۶، ۱۳۱)

نکته مهم در بزه اختلاس این است که اختلاس عبارت است از تصاحب مال موضوع جرم و خارج نمودن آن از تملک دولت، به عبارت دیگر مادی که عملیات اجرایی، موجب تصاحب مال نگردد، مشمول جرم اختلاس نبوده و ممکن است در قالب جرم های دیگر نظیر، استفاده غیر مجاز قرار گیرد. (صادق منتهی نژاد، ۱۳۸۶، ص ۲۹۳) استدلال دادگاه تجدید نظر در صدور رأی مورد نقد عام بوده که با توجه به غیر دولتی بودن این بانک محکومیت متهم به اتهام اختلاس فاقد وجهت قانونی است. این استدلال و رأی صادره از جهات زیر مورد انتقاد می باشد. مرتکب بزه اختلاس، بر طبق ماده ۵ فوق الذکر، کارمندان دولت، شورا ها، شهرداری ها و نهادهای انقلابی و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می شوند و همچنین مأمورین به خدمات عمومی می باشد، این مأمورین به خدمات عمومی در قانون راجع به محاکمه و مجازات مأمورین به خدمات عمومی مصوب ۱۳۱۵/۰۲/۰۹ آمده است.

ماده ۳ این قانون: مأمورین به خدمات عمومی کسانی هستند که در مؤسسات زیر خدمت می کنند:

۱- مؤسسات خیریه که به حسب ترتیب وقف یا وصیت، مسئولیت آن ها با حاکم عصر است.

۲- مؤسسات خیریه و مؤسسات عام المنفعه که دولت یا شهرداری اداره می کند و یا تحت نظر دولت اداره می شود.

۳- مؤسسات انتفاعی دولت یا مؤسسات دیگر که تحت نظر دولت اداره می شود.

باعنایت به توضیحات فوق، به نظر می رسد بانک های خصوصی مؤسسات انتفاعی هستند که تحت نظر دولت (بانک مرکزی) اداره می شود. پس مشمول بند سوم ماده فوق الذکر می باشد. طبق ماده ۳۰ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۰۴/۱۸ تأسیس بانک و اشتغال به عملیات بانکی و استفاده از نام بانک در عنوان مؤسسات اعتباری فقط طبق مقررات این قانون ممکن است و تأسیس بانک در ایران موقوف به اساسنامه آن به وسیله شورای پول و اعتبار و صدور اجازه از بانک مرکزی ایران است. بنابراین بانک ها چه دولتی و چه خصوصی هر دو به عنوان مؤسسات تحت نظارت دولت بوده که با شعب گسترده و متعدد در سطح کشور به ارائه خدمات عمومی می پردازند؛ و از حیث خدمات عمومی بانک های خصوصی حتی از برخی بانک های دولتی گسترده تر عمل می نمایند؛ و از آن جهت که بانک خصوصی با کمک مستمر دولت اداره می شود مشمول ماده ۵ سابق الذکر خواهد بود.

صرف نظر از درستی یا نادرستی از تصمیم دادگاه تجدید نظر در خصوص اختلاس نداشتن عمل مرتکب، به نظر می رسد بهتر بود این دادگاه به ماهیت رفتار ارتكابی متهم به طور کلی رسیدگی و نسبت به آن اظهار نظر می کرد. (مطابق ماده ۲۸۰ قانون آ. د. ک ۱۳۱۴ عنوان اتهامی که در کیفر خواست ذکر می شود مانع از تعیین عنوان صحیح قانونی توسط دادگاه نیست.)

نظر دادگاه تجدید نظر چنانچه معتقد به ارتكاب بزه اختلاس توسط کارمند بانک خصوصی نبود، می توانست با اجازه حاصل از ماده ۲۸۰ قانون مذکور حداقل متهم را به عنوان یک شخص عادی که اموال بانک نزد وی امانت بوده و خیانت کرده در نظر می گرفت و بر طبق ماده ۶۷۴ قانون تعزیرات ۱۳۷۱ آن را به اتهام خیانت در امانت یا حتی تحصیل مال از طریق نامشروع (موضوع ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری) محکوم می نمود، چرا که اصل تصاحب وجوه توسط متهم محرز و ادله کافی برای انتساب بزه وجود داشت.

۶- نتیجه گیری و پیشنهادها

در تعریف اختلاس بیان شده که اختلاس یکی از تعدیات کارمندان دولت و مأموران به خدمات عمومی است و برداشت غیرقانونی اموال دولتی و غیر دولتی که توسط کارمندان و کارکنان دولت یا وابسته به دولت انجام می گیرد، گفته می شود. اختلاس به صورت برنامه ریزی شده و منظم و پنهان بدون رضایت و آگاهی دیگران انجام می پذیرد. آنچه در اختلاس صورت می گیرد عبارت است از برداشتن میبالغ از محل، مالی که مالکان بی اطلاع هستند. مثل حسابهای بانکی (راکد یا غیر راکد) و وارد کردن آن در امور سرمایه گذاری که در اکثر موارد افراد، اختلاس کننده اصل وجه را به حساب یا محل قبلی بر می گردانند و سود حاصل شده را مالک می شوند. در تعریف اختلاس در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری بیان شده است که مرتکب جرم اختلاس باید از کارکنان و یا کارمندان مذکور در این ماده باشد و حتی در شرایط تحقق جرم اختلاس کارمند دولت بودن را از جمله شروط ضروری برای تحقق جرم اختلاس می داند بنابراین کارمندان شرکت های خصوصی یا کارمندان بخش خصوصی مثلاً کارمندان بانک خصوصی که اموال به آن ها سپرده شده مرتکب خیانت می شوند یا اشخاص عادی که به دلیلی اموال دولتی که در اختیارشان قرار می گیرد و آن ها را تصاحب می کنند از شمول این ماده خارج می باشند در حالی که بیان شد که این با ایراد مواجهه است و ماده باید به این شکل اصلاح شود که، هر گاه هر یک از کارکنان دولت اعم از این که کارمند بخش دولتی باشد یا کارمند بخش خصوصی باشد اعم از رسمی، پیمانی، آزمایشی و قراردادی، بر حسب وظیفه اموال منقول مربوط به دولت یا اموالی که از طرف اشخاص نزد دولت به امانت سپرده شده است را در اختیار داشته و آن ها را عالمأ و عامداً به نفع خود یا شخص ثالثی برداشت یا تصاحب نمایند مختلس محسوب می شوند؛ و از آن جهت که کارمند بخش خصوصی مأمور به خدمت

عمومی هستند می‌توانند مرتکب اختلاس شوند می‌توان دایره این جرم را به اموال بانک های خصوصی شرکت‌های سهامی غیر دولتی، تعمیم داد.

منابع

۱. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، چاپ دوم، انتشارات شهرزاد، ۱۳۹۰
۲. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، زیر نظر دکتر محمد معین و سید جعفر شهیدی، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، جلد اول، چاپ اول از دوره ی جدید ۱۳۷۲
۳. خوبی، سیدابوالقاسم، مبانی تکلمه المنهاج - جلد دوم، انتشارات مطبوعه العلمیه، ۱۳۶۹
۴. طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن بن علی، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، جلد دوم، انتشارات دانشگاه تهران، بی تا
۵. بک، احمد امین، شرح قانون العقوبات الاهلی، الدار العربیة الموضوعات، جلد ۱، ۱۳۷۰
۶. اسنهوری، عبدالرزاق، الوسیط فی شرح القانون المدنی، ۱۹۶۷، جلد ۸
۷. حبیب زاده، محمد جعفر، حقوق جزای اختصاصی (جرائم علیه اموال) - چاپ پنجم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۵
۸. نجیب حسنی، محمود - جرائم الاعتداء علی الاموال، بیروت، دارالنهضة العربیة، ۱۹۸۴
۹. شامبیاتی، هوشنگ، جرائم علیه اموال و مالکیت، انتشارات ویستار، چاپ دوم، ۱۳۷۵
۱۰. خویباری، عباس، پایان نامه، بررسی بزه خیانت در امانت، اختلاس، تصرف غیر قانونی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و یزدانی نجف آبادی، فائزه، مطالعه تطبیقی تعديبات ماموران دولت نسبت به دولت در حقوق ایران و فرانسه، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی - سال ۱۳۵۳، ۱۳۵۴
۱۱. کشاورز، بهمن، مجموعه محشای قانون تعزیرات - گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۵
۱۲. ابوحمد، عبدالحمید، حقوق اداری ایران، جلد ۴، تهران، توس، ۱۳۷۰
۱۳. طباطبایی، موتمنی، منوچهر، حقوق اداری، جلد ۲، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۴
۱۴. موسی زاده - رضا، حقوق اداری، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۷۷
۱۵. الهی منش، محمد رضا و مرادی او جقاز، محسن - حقوق جزای اختصاصی ۲ (جرائم علیه اموال و مالکیت) - انتشارات مجد، چاپ سوم، ۱۳۹۳
۱۶. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، جلد سوم، چاپ اول از دوره جدید ۱۳۷۲
۱۷. الهی منش، محمد رضا و مرادی او جقاز، محسن، پیشین، ص ۱۸۳، ۱۸۲
۱۸. رمسیس، بهنام، الجرائم المضرة بالمصلحة العمومية - منشأ المعارف بالاسکندریة،
۱۹. شهری، غلامرضا و ستوده جهرمی، سروش، ناشر روزنامه رسمی کشور، چاپ دوم، ۱۳۷۷ - ص ۴۶۴، نظریه اداره حقوقی شماره ۳۷/۳/۲۷ تاریخ ۱۳۷۰/۳/۲۷
۲۰. گلدوزیان، ایرج، جرائم علیه تمامیت جسمانی و صدمات معنوی و اموال و ملکیت و امنیت و آسایش عمومی، چاپ هفتم، مؤسسه ی انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳۸۰
۲۱. ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای اختصاصی، جلد پنجم، تهران، نشرخیام، چاپ اول، ۱۳۷۳
۲۲. میر محمد صادقی، حسین، جرائم علیه اموال و مالکیت، تهران، نشر میزان، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۵
۲۳. نجیب حسنی، محمود، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، ۱۹۸۸ و احمد ابورالروس - قانون الجرائم التزییف و التزویر و الرشوة و اختلاس المال العام من الوجهه القانونیه والفنیه ۱۹۹۷
۲۴. شامبیاتی، هوشنگ، جرائم علیه اموال و مالکیت، انتشارات ویستار، چاپ دوم، ۱۳۷۵
۲۵. نظریه شماره ۱۴۵۹/۷، مورخ ۱۳۷۰/۶/۱۳ نقل از کشاورز بهمن، مجموعه محشای قانون تعزیرات ۱۳۷۵، گنج دانش، چاپ اول
۲۶. منتی نژاد، صادق، حقوق کیفری مالی (جرائم مالی علیه دولت)، چاپ اول، تهران، ناشر دیوان محاسبات کشور، ۱۳۸۶
۲۷. نورزاد، عوض، بررسی جرائم اختلاس و تصرف غیر قانونی در اموال دولت، انتشارات آریان، ۱۳۸۳

